



Factors Influencing the Compilation of al-Dāraqutnī's Faḍā'il al-Şahāba

From Cultural-Political Contexts to Intellectual Currents in Baghdad

Behnaz Mohammadkazemi¹ | Ali Rad²

1. MA, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Farabi College of University of Tehran, Tehran, Iran. Email: behnaz.mkazemi@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Farabi College of University of Tehran, Tehran, Iran. Email: ali.rad@ut.ac.ir

Abstract

Abū al-Ḥasan 'Alī ibn 'Umar al-Dāraqutnī was a prominent Sunnī scholar and the author of the work Faḍā'il al-Şahāba. The central question of this study is whether and to what extent al-Dāraqutnī's compilation of Faḍā'il al-Şahāba in the fourth century AH was shaped by the intellectual discourse of Baghdad. The underlying concern in critiquing this work lies in the influence of extra-theological factors on its composition. Based on the hypothesis advanced here, the socio-historical and cultural environment surrounding al-Dāraqutnī played a decisive role in directing him toward a dual approach—conciliatory-moderate on one hand, and polemical-critical on the other—while also fostering a degree of tolerance in his engagement with Imāmī doctrines concerning the status of the Companions and the virtues of the first two caliphs. By adducing various pieces of evidence from the cultural and intellectual atmosphere of Baghdad between the third and fifth centuries AH, this article demonstrates how the scholarly milieu of al-Dāraqutnī's time informed the compilation of his Faḍā'il al-Şahāba. It argues that both cultural-political factors and intellectual currents in Baghdad significantly influenced his work, ultimately steering al-Dāraqutnī toward a polemical-critical stance vis-à-vis Imāmī Shī'ism on the issues of the virtues of the first caliphs and the justice of the Companions, despite his awareness that Twelver Shī'ites fundamentally rejected such notions.

Keywords: Al-Dāraqutnī, Faḍā'il al-Şahāba, theological thought, intellectual currents, Baghdad milieu.

Cite this article: Mohammadkazemi, B., & Rad, A. (2025). Factors Influencing the Compilation of al-Dāraqutnī's Faḍā'il al-Şahāba: From Cultural-Political Contexts to Intellectual Currents in Baghdad. *Quranic Researches and Tradition*, 58 (1), 243-264. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.392228.670454>



Article Type: Research Paper

Received: 16-Mar-2025

Received in revised form: 21-Sep-2025

Accepted: 22-Sep-2025

Published online: 6-Oct-2025

عوامل مؤثر در تألیف کتاب فضائل الصحابه دارقطنی

از زمینه‌های فرهنگی-سیاسی تا جریان‌های فکری بغداد

بهناز محمدکاظمی^۱ | علی راد^۲ ✉

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: behnaz.mkazemi@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: ali.rad@ut.ac.ir

چکیده

ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی یکی از دانشیان صاحب نظر اهل سنت و مؤلف کتابی با عنوان فضائل الصحابه است. مسئله اصلی این پژوهش واکاوی امکان و امتناع اثربخیزی دارقطنی از گفتمان فکری بغداد در تألیف کتاب فضائل الصحابه در قرن چهارم هجری است. سوبه پنهان در نقد این کتاب اثرگذاری علل فرا اعتقادی در تألیف آن است. بر پایه این فرضیه، شرایط محیطی و تاریخی حاکم بر اندیشه دارقطنی و مؤثر در تألیف فضائل الصحابه، در سوق دادن او به انتخاب رویکرد دوگانه تقریبی-اعتدالی، جدلی-انتقادی از یک سو و تساهل و تسامح دارقطنی در مواجهه با نظریه امامیه درباره جایگاه صحابه و فضایل شیخین مؤثر بودند. این مقاله با ارائه شواهد مختلف از شرایط حاکم بر بغداد در قرون سوم تا پنجم هجری اثبات می‌کند چگونه محیط و گفتمان علمی بغداد روزگار دارقطنی در نگارش فضائل الصحابه او اثرگذار بود. لذا در این میان دو دسته عوامل فرهنگی-سیاسی و جریان‌های فکری بغداد نقش مهمی را ایفا کردند و در نهایت دارقطنی را به رویکرد جدلی-انتقادی با شیعه امامیه در مسئله فضائل شیخین و عدالت صحابه سوق داد؛ حال آن که دارقطنی، خود آگاه بود که امامیه اثنی عشریه به این انگاره‌ها باورمند نیست.

کلیدواژه‌ها: دارقطنی، کتاب فضائل الصحابه، اندیشه‌های کلامی، جریان‌های فکری، بوم بغداد.

استناد: محمدکاظمی، بهناز، و راد، علی (۱۴۰۴). عوامل مؤثر در تألیف کتاب فضائل الصحابه دارقطنی: از زمینه‌های فرهنگی-سیاسی تا جریان‌های فکری بغداد. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۱)، ۲۴۳-۲۶۴.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.392228.670454>



مقدمه

دارقُطنی، از محدثان برجسته اهل سنت در قرن چهارم هجری قمری در بغداد، از پیشگامان علم علل الحدیث به شمار می‌رود. وی آثار تألیفی متعددی دارد که در میان آن‌ها، کتابی با عنوان «فضائل الصحابه» چشمگیر است. دارقُطنی در بخش موجود از این کتاب، با استناد به احادیثی از ائمه شیعه و خاندان ایشان، درصدد اثبات فضایل شیخین از منظر شیعیان برآمده است. اثرپذیری دارقُطنی، به عنوان مؤلف کتاب فضائل الصحابه، از شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر بغداد قرن چهارم، دارای اهمیت بسزایی است و رویکرد وی را در نگارش این کتاب روشن می‌سازد؛ چرا که رویکرد مؤلفان همواره متأثر از گفتمان‌های زمانه و روزگارشان است. این گفتمان حاکم بر جامعه است که رویکردهای مختلف، اعم از موافق و مخالف، را پدید می‌آورد و در حقیقت، رویکردها زاده گفتمان‌های عصر خویش هستند.

براین اساس، پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ به این مسئله است که نگارش کتاب فضائل الصحابه از سوی دارقُطنی مؤثر از شرایط محیطی بوده و دارای چه علل فرا اعتقادی می‌باشد. این پژوهش با دیدگاهی فراتر از مسائل و مباحث مذهبی و مسلک سنی دارقُطنی، به دنبال کشف تأثیرات شرایط فرهنگی و اجتماعی بغداد به عنوان یک محیط و جریان‌های فکری بغداد به عنوان عامل تشدیدکننده یک فضای رقابتی میان شیعه و سنی به مثابه دو جریان فکری و نه مذهب اعتقادی، در نگارش کتاب فضائل الصحابه توسط دارقُطنی است. به بیانی دیگر این مقاله با شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و رایانه‌ای با روشی تحلیلی-اکتشافی درصدد کشف تأثیرات محیطی بغداد آن روزگار بر دارقُطنی و رویکرد وی در نگارش کتاب فضائل الصحابه است.

منظور از «رویکرد دارقُطنی» در این پژوهش را می‌توان جهت‌گیری خاص دارقُطنی در شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بغداد در سال‌های حیات او دانست. رویکردشناسی نوعی رهیافت پژوهشی در مطالعه و ارزیابی هر کتاب است. بی‌تردید دستیابی به رویکرد هر مؤلفی، درنوع تحلیل نگاشته‌های وی مؤثر است. استخراج رویکرد مؤلفان از طریق بررسی گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موجود در روزگار حیات آنان به تحلیل دقیق‌تر آثار آنان منتج می‌شود.

ازسوی دیگر با توجه به اینکه محتوای کتب فضائل بیشتر، احادیث است، بنابراین فضائل نگار نقش بسزایی در این دست از منابع دارد. درخصوص دارقُطنی با چشم‌پوشی بر مذهب سنی وی و جدا از فضای مذهبی حاکم بر او آنچه مهم می‌نماید بررسی علل فرا اعتقادی او در تألیف کتاب فضائل الصحابه است. به بیانی دیگر بررسی دیدگاه‌های فرهنگی-سیاسی مؤثر بر دارقُطنی که به نوعی بازتاب اندیشه وی و نمایانگر مجموعه‌ای از نزاع‌های گفتمانی در بغداد است در جستار حاضر مورد واکاوی قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم وجود برخی پیشینه‌های عمومی درخصوص صحابه‌نگاری (هدایت‌پناه، ۱۳۹۸)، شخصیت دارقُطنی و آثار او (رحیلی، بی‌تا)؛ پیش از این، پژوهشی

درباره مسئله مطرح در این مقاله و واکاوی علل فرا اعتقادی مؤثر بر دارقطنی در فضائل نگاری انجام نشده است. نکته شایان توجه اینکه پژوهش حاضر با تکیه بر عوامل بیرونی مؤثر بر دارقطنی، به دنبال کشف رویکرد او در نگارش کتاب فضائل الصحابه است.

۱. عوامل مؤثر بر دارقطنی در تألیف کتاب فضائل الصحابه

بر نگرش و دیدگاه دارقطنی به عنوان مؤلف کتاب فضائل الصحابه می توان دو دسته عوامل بیرونی را اثرگذار دانست. یکی از این عوامل زمینه های فرهنگی-سیاسی روزگار دارقطنی و دیگری جریان های فکری موجود در بغداد قرن چهارم است. حاکمیت موجود در بغداد در قرون سوم تا پنجم هجری و همچنین وجود جریان های فکری مختلف و انتقادهای متکلمان و شیعیان نسبت به اهل سنت؛ امکان و احتمال اینکه دارقطنی در اثر تحریکات و برای مقابله با شرایط حاکم بر محیط زندگی خویش و یا متأثر از آن ها دست به تألیف کتاب فضائل الصحابه زده، را افزایش می دهد.

۱-۱. زمینه های فرهنگی-سیاسی

ازجمله عواملی که فضائل نگاری صحابه را در میان مسلمانان به لحاظ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت می نماید، جایگاه و مقام صحابه در میان اهل سنت است؛ لذا ضروری است برای آنان که در مباحث فقه عامه فعالیت می کنند به فضائل صحابه بپردازند.

دارقطنی سنن نگار اهل سنت و فقیه-محدثی است که همچون دیگر فقه های اهل سنت نگرش او به صحابه و تعریفی که از صحابه دارد مهم می نماید. همان گونه که شیعه در باب اهل بیت (ع) می نویسد اهل سنت نیز در باب فضائل صحابه دست به نگارش می زنند. بنابراین مشایخ نامدار اهل سنت معمولاً از خلفا عبور نکرده و به فضائل آنان توجه داشتند. فضائل نگاری در اهل سنت، از روش هایی است که برای تقویت و تثبیت جایگاه صحابه پیامبر (ص) منجر به تألیف آثار متعددی خصوصاً در قرون سوم تا پنجم هجری شد. این نوع نگاشته ها در مناطق جغرافیایی مختلفی انجام می شد، لذا تحت تأثیر جریانات فکری-عقیدتی و یا جریانات فرهنگی-سیاسی حاکم بر آن مناطق بود. این آثار اشکال مختلفی هم از جهت حجم و ساختار و هم از لحاظ محتوا و مضمون داشتند. فضائل نگاران گاهی برای مقابله با افکار و دیدگاه های سیاسی، فرهنگی، عقیدتی و اجتماعی عصر خود، آن دست از احادیثی را در کتب خویش منعکس نمودند که در راستای پاسخگویی به جو سیاسی-عقیدتی حاکم بر روزگار آنان باشد.

ازسوی دیگر باتوجه به اینکه منابع اصلی صحابه نگاری احادیث هستند، مؤلف در نگارش آثار فضائل نگاری یا صحابه نگاری نقش پررنگ تری دارد. به علاوه از معنابابی برخی واژگان موجود در کتاب های فضائل نگاری، چنین استنباط می شود که مؤلف به واسطه نقل احادیثی از رسول خدا (ص)

که به فضائل خلفا مربوط است، درواقع درصدد بیان استحقاق آنان برای جایگاه خلافت می‌باشد (ر. ک: باقریان و شفیعی، ۱۳۹۹: ۹).

دارقطنی یکی از مشهورترین صحابه‌نگاران قرون سوم و چهارم در حوزه عراق، شامات و حجاز محسوب می‌شود و کتاب فضائل الصحابه او نیز همچون سایر فضائل‌نگاری‌های نگاشته شده، از این قاعده مستثنی نیست. به‌علاوه عوامل و زمینه‌هایی سبب نگارش این دسته از آثار شدند که توجه به هریک از این عوامل خود سبب دستیابی به رویکرد دارقطنی برای نگارش کتاب فضائل الصحابه می‌شود.

۱-۱-۱. شیوع فضائل‌نگاری در پنج قرن نخست

در قرون نخست برخی عوامل و زمینه‌های علمی و فرهنگی سبب شد تا علمای اهل سنت به نگارش کتاب‌هایی در رابطه با فضائل خلفا و یا صحابه بپردازند. ازجمله این زمینه‌ها می‌توان به یک عامل عمومی و یک عامل خاص برای شیوع نگارش چنین آثاری اشاره کرد. تحولات عظیم علمی، عاملی عمومی و رشد و گسترش تشیع به عنوان عاملی خاص در این زمینه مطرح می‌شوند.

۱-۱-۱-۱. تحول علمی و رُسناسی اسلامی

جهان اسلام در قرن‌های سوم تا پنجم هجری در اوج مباحث کلامی و تاریخی خود قرار دارد و این قرون دوران تحول علمی در جهان اسلام بوده‌است که عاملی عمومی برای گسترش نگارش و تألیف کتب فضائل‌نگاری و یا صحابه‌نگاری محسوب می‌شود. چراکه در این دوره با ایجاد تحولات عظیم علمی نه تنها فضائل‌نگاری بلکه سایر حوزه‌های گوناگون دانش رشد چشمگیری داشتند. بنابراین بغداد در این دوران عرصه‌ای برای گردآمدن دانشمندان گردید. پس از عباسیان حکومت آل بویه در عراق و ایران حاکم شد که اگرچه پس از حدود یک قرن حکومت، نتوانست آنجا را مهد تشیع کند ولی حمایت این حکومت از شیعیان و عالمان شیعه سبب شد تا قرون چهارم و پنجم دوران اوج شیعه و شکوفایی علوم اسلامی شود به طوری که بسیاری از دستاوردهای اسلامی بغداد را می‌توان مربوط به این دوران دانست (متز، ۱۳۶۴: ۲۰۰-۲۱۸).

دارقطنی به عنوان یکی از علمای بغداد با این تحول علمی همراه بوده و همچون دیگر دانشمندان آن روزگار همگام با این شکوفایی‌های علمی دست به تألیف آثاری زده‌است که ازجمله آن‌ها می‌توان به کتاب فضائل الصحابه اشاره نمود. چنانچه درجدول ۱، خواهد آمد؛ بسیاری از آثار فضائل‌نگاری در قرون سوم و چهارم هجری یعنی همزمان با تحولات علمی اسلامی نگاشته شدند.

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	سال وفات	منطقه
۱	فضائل الأنصار	وهب بن وهب اسدی قرشی	۵۲۰۰ ق	مدینه/بغداد
۲	فضائل الأنصار	ابوداود سلیمان بن داود	۵۲۰۴ ق	بصره
۳	فضائل الصحابه	اسد بن موسی بن ابراهیم	۲۱۲-۱۳۲ هـ	بصره/مصر
۴	فضائل الصحابه	ابن حبيب اندلسی عبدالملک	۲۳۸-۱۷۴ هـ	اندلس
۵	فضائل الصحابه	احمد بن حنبل	۲۴۱ هـ	بغداد
۶	فضائل الصحابه	محمد بن اسماعیل بخاری	۲۵۶ هـ	خراسان
۷	فضائل الصحابه	وکیع بن جراح	۱۹۷ هـ	کوفه
۸	فضائل الصحابه	بقی بن مخلد اندلسی	۲۷۶ هـ	اندلس
۹	فضائل الصحابه	احمد بن شعیب نسایی	۳۰۳ هـ	خراسان/شام
۱۰	فضائل الصحابه	عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بغوی	۳۱۷ هـ	بغداد
۱۱	فضائل الصحابه	ابن ابی الثلج محمد بن احمد کاتب	۳۲۵ هـ	بغداد
۱۲	فضائل الصحابه	محمد بن عبدالرحمن سرخسی	۳۲۵ هـ	خراسان
۱۳	فضائل الصحابه	قاضی بکر بن علاء مالکی	۳۳۴ هـ	بصره
۱۴	فضائل الصحابه	ابوسعید بن اعرابی	۳۴۰ هـ	بصره/مکه
۱۵	فضائل الصحابه	علی بن عمر دارقطنی	۳۸۵ هـ	بغداد
۱۶	فضائل الصحابه	عبدالعزیز بن جعفر عکبری	۳۶۳-۲۸۲ هـ	کوفه
۱۷	المصابیح فی فضائل الصحابه	ابن فطیس عبدالرحمن بن محمد	۴۰۲ هـ	اسپانیا
۱۸	فضائل الصحابه الاربعه	غنجاری بخاری محمد بن احمد	۴۱۲-۳۳۷ هـ	خراسان
۱۹	فضائل الصحابه	خیثمه بن سلیمان قرشی طرابلسی	۳۴۳-۲۵۰ هـ	لبنان
۲۰	فضائل الصحابه	ابن فطیس عبدالرحمن بن محمد	۴۰۲ هـ	اسپانیا
۲۱	فضائل الصحابه	القادر بالله خلیفه عباسی	۴۲۲-۳۳۶ هـ	بغداد
۲۲	فضائل الصحابه	ابونعیم اصبهانی احمد بن عبدالله	۴۳۰ هـ	اصفهان
۲۳	المصنف فی فضائل الصحابه	بیہقی شافعی احمد بن حسین	۴۵۸-۳۸۴ هـ	خراسان
۲۴	فضائل الصحابه	شقرطسی عبدالله بن یحیی	۴۶۶ هـ	-
۲۵	فضائل الصحابه	طراد بن محمد بغدادی	۴۹۱-۳۹۸ هـ	بغداد
۲۶	فضائل العشر	محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری	۴۰۵ هـ	خراسان
۲۷	فضائل الخلفاء الاربعه	ابونعیم اصبهانی احمد بن عبدالله	۴۳۰ هـ	اصفهان
۲۸	فضائل الخلفاء الاربعه	ابوبکر احمد بن اسحاق نیشابوری	۳۴۲ هـ	نیشابور
۲۹	فضائل ابی بکر الصدیق	ابی محمد بن علی بن الفتح معروف به العشاری	۴۵۱ هـ	شام

جدول ۱- کتب فضائل الصحابه نگاشته شده در پنج قرن نخست^۱

۱. جهت دستیابی به منابع ذکر نام این کتب، ر. ک: ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۱۶۸ و ۴۲۳؛ سمعانی، ۱۴۱۹: ج ۴: ۲۸۴؛ ابن خلکان، بی تا: ج ۶: ۴۱؛ مزنی، ۱۴۰۶: ج ۲۴: ۴۴۰؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۹: ۱۵۴ و ۱۱: ۳۳۰ و ۱۲: ۱۰۲-۱۰۳ و ۱۴: ۵۵۸ و ۱۵: ۴۱۲ و ۱۹: ۳۸؛ عسقلانی، ۱۴۰۶: ۵۱۳؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۷: ۳۶۷؛ حاجی خلیفه، بی تا: ج ۲: ۲۷۶ و ۱۲۷ و ۱۳۸ و ۱۷۱۲؛ اسماعیل باشا،

۲-۱-۱-۱. گسترش تشیع و ظهور نمادهای آن

کتب فضائل‌الصحابه از جمله مهم‌ترین منابع صحابه‌نگاری در قرون سوم و چهارم هجری می‌باشد و مانند سایر منابع معرفتی درحوزه تاریخ، پدیده‌ای خنثی و شفاف نیست که واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی و مذهبی را عیناً بازگو نماید. لذا این دسته از منابع منطبق بر عینیت نیستند، بلکه بیشتر در راستای بازنمایی اندیشه‌های مورخان تألیف گردیده‌اند (باقریان و شفیعی، ۱۳۹۹: ۲).

در قرون چهارم و پنجم روی کار آمدن دولت‌های شیعی مذهب از شرق تا غرب جهان اسلام، یکی از عوامل مهم در رشد و گسترش تشیع بوده‌است (گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹: ۲۲۶). حضور وزرای باکفایت در دربار آل بویه و فضای باز سیاسی و اجتماعی، سبب جذب عالمان به دربار در قرن چهارم هجری گردید. مدارای مذهبی آل بویه زمینه رشد و پیشرفت را برای شیعیان فراهم آورد. حاکمان آل بویه به علت آنکه اهل دانش بودند بسیاری از عالمان و دانشمندان را در امور حکومتی و وزارت به خدمت گماردند که این امر مختص به دانشمندان شیعه نبود و دانشمندان فرقه‌های دیگر اسلامی نیز از چنین حمایت‌هایی برخوردار بودند (خضری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۸۱). همان‌طور که در مدت چند قرن اهل بیت (ع) مظهر و نماد تشیع بودند، صحابه نیز نماد اهل تسنن شناخته شدند. در نتیجه با توسعه تشیع در عراق و پیدایش نمادها و شعائر آنان- که اهل سنت از آن به عنوان گسترش سب صحابه یاد می‌کنند-، علمای اهل سنت برای مقابله با تشیع و نمادهای آن به صحابه‌نگاری به دو صورت عمومی و فضائل‌نویسی روی آوردند.

فهرست کتب فضائل‌نگاری صحابه از ابتدا تا قرن پنجم هجری در ادامه ذکر شده‌است. کتاب فضائل‌ابی‌بکرالصدیق، نوشته «عشاری» از آن جهت که مرز میان متقدمان و متأخران است، در میان کتب فضائل‌نگاری دارای اهمیت بوده و احادیث بسیاری به نقل از دارقطنی در آن ذکر شده‌است (ر. ک: عشاری، ۱۴۱۳).

باتوجه به جدول فوق، در قرون اول تا پنجم فضائل‌نگاری در ایران و عراق بیشتر از سایر مناطق است. بررسی کتاب‌های صحابه‌نگاری و مؤلفان آن‌ها نشان می‌دهد اگرچه ایرانیان در موضوعات عام آن، یعنی شرح حال صحابه پیشگام بودند، ولی منطقه شامات بیشترین تألیفات را با موضوع فضائل‌نگاری صحابه به خود اختصاص داده‌است.

۳-۱-۱-۱. جمع‌بندی تأثیر زمینه‌های فرهنگی

چنانچه گذشت، دارقطنی به عنوان یکی از علمای شافعی مذهب قرن چهارم هجری، در دورانی می‌زیست که صحابه‌نگاری در ایران و عراق بیش از مناطق دیگر بود. در قرن سوم و خصوصاً چهارم

بی‌تا: ج: ۱: ۵۱۵ و ۳۵۷ و ۷۸ و ۶۴ و ۵۱۵ و ۱۹۵ و ۶۱: زرکی، ۱۹۸۰: م: ۲: ۳۲۶ و ۴: ۱۴۵ و ۸: ۱۲۶: کحاله، بی‌تا: ج: ۱: ۱۶۰ و ج: ۱۳: ۱۷۳: شیبانی، ۱۴۱۴: ۱۷۸ و ۱۸۰ و ۱۸۳: کلبرگ، ۱۴۱۳: ۵۵: حسینی‌شاکری، ۱۴۱۷: ۱۴۱.

هجری، صحابه‌نگاری رشد فزون‌تری یافت و در این رشد سهم ایران و عراق (حوزه شرق) باتوجه به جدول ارائه شده، بیش از مناطق دیگر جهان اسلام بود.

به طور کلی کتب صحابه‌نگاری را از حیث محتوا ذیل دو مکتب کلامی و تاریخی گنجانده‌اند (ابن صلاح، بی‌تا: ۱۴۷ و ۱۷۵). بیشتر فضائل‌نگاری و صحابه‌نویسی‌ها از حیث ساختاری حدیثی هستند و از لحاظ محتوایی می‌توان آن‌ها را کلامی محسوب نمود. در مکتب کلامی باتوجه به جایگاهی که برای صحابه تبیین شده و تقدّسی که از حیث قاعده عدالت صحابه دارند، ذکر و گزارش کردن هرنوع خبری که این قاعده را خدشه‌دار نماید، مشروع نیست (همان، بی‌تا: ۱۴۷).

بنابراین دارقطنی به عنوان یک فضائل‌نگار (دارقطنی، ۱۴۱۹) و صحابه‌نگار (دارقطنی، ۱۴۳۳)، لازم است رویکردی مطابق با مبانی کلامی ذکر شده داشته‌باشد. دارقطنی از عالمان اهل حدیث است و در نظر بسیاری از اهل حدیث که به امر تقدس صحابه و اصل کلامی-اعتقادی عدالت صحابه پایبند هستند، ورود به معایب و پرداختن به حوادثی که به نوعی موجب تزلزل اعتقادی نسبت به صحابه می‌شود، مطلوب و خوشایند نیست.

باتوجه به این نکات و با وجود گسترش و رشد تشیع همزمان با دوران رنسانس اسلامی، شرایط فرهنگی حاکم بر فضای زیست دارقطنی می‌توانست او را به نگارش کتاب فضائل الصحابه سوق دهد. ازسوی دیگر تألیف چنین کتابی در شرایط فرهنگی حاکم بر بغداد قرن چهارم، حاکی از رویکرد او نسبت به صحابه و خلفا می‌باشد. لذا محتمل است در چنین شرایطی به منظور تقابل با فضای فرهنگی حاکم و نیز دفاع از مبانی اعتقادی خویش کتاب فضائل الصحابه را نگاشته‌باشد. بنابراین کتاب مذکور و علت نگارش آن توسط دارقطنی را باید با در نظر داشتن انواع گفتمان‌های موجود در بغداد و خصوصاً گفتمان حاکم بر آن تحلیل نمود.

۱-۲. شرایط سیاسی-مذهبی بغداد در قرن چهارم

گفتمان‌هایی که سازنده جامعه هستند و به فهم بشر از جهان پیرامون سامان می‌دهند، غالباً سیاسی هستند. زیرا عرصه سیاست، عرصه منازعه بین گفتمان‌های متعدد و گوناگون برای تثبیت و غلبه بر دیگران است. باتوجه به اینکه مسئله امامت به عنوان نخستین نزاع سیاسی در اسلام ریشه و زمینه‌ای مذهبی دارد، گفتمان‌های سیاسی و مذهبی اسلام از یکدیگر جدایی ناپذیرند و گفتمانی واحد به عنوان گفتمان سیاسی-مذهبی را تشکیل می‌دهند (باقریان و شفیعی، ۱۳۹۹: ۷۵).

در قرون چهارم و پنجم هجری، بغداد شاهد حضور گفتمان‌های سیاسی و جریان‌های فکری مختلفی بود که نه تنها بر فضای جامعه، بلکه بر رویکرد مؤلفان و تألیفات آنان نیز اثرگذار بود. وجود فرق مختلف فقهی و اعتقادی در بغداد و تقابل پیروان و سران هریک از این فرقه‌ها زمینه پیدایش اندیشه‌ها و آثار متعدد و گوناگونی شدند.

اثرگذاری گفتمان‌های سیاسی-مذهبی موجود در بغداد بر رویکرد دارقطنی و بالعکس اثرپذیری دارقطنی از این گفتمان‌ها و فضای سیاسی-مذهبی بغداد را می‌توان مبتنی بر دو عامل اساسی حاصل از این گفتمان دانست. حضور فرق و جریانات فکری مختلف در بغداد آن روزگار و نوع تعامل این جریانات و طرفداران آن‌ها با یکدیگر ازجمله عواملی است که در شناخت گفتمان سیاسی-مذهبی بغداد قرون چهارم و پنجم هجری مؤثر است.

دو فرقه شیعه و اهل سنت و نزاع آن دو بر مسئله امامت و خلافت مهم‌ترین عامل ایجاد گفتمان سیاسی-مذهبی بغداد بود. بررسی نوع تقابل این دو گروه علاوه بر درک بهتر گفتمان موجود در بغداد و فضای حاکم بر آن، ازجمله عواملی است که به شناخت بهتری از نوع و میزان اثرگذاری گفتمان سیاسی-مذهبی بغداد بر رویکرد دارقطنی به عنوان یکی از علمای سرشناس اهل سنت که یکی از دو فرقه اصلی این گفتمان را تشکیل می‌دهد، کمک خواهد کرد.

۱-۲-۱-۱. حاکمیت شیعه در بغداد

شهر بغداد را منصور عباسی در دو سوی شرق و غرب رود دجله بنیان نهاد. بخش غربی که عمدتاً شیعه‌نشین بود، «کرخ» نامیده شد و بخش شرقی که محل سکونت سنی‌مذهبان بود، «رصافه» یا «عسکر المهدی» خوانده می‌شد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۹۸-۱۰۱). گرایش مردم به محله کرخ تحت تأثیر عوامل متعددی بود؛ از جمله وجود مسجد برائثا در مجاورت آن (یاقوت حموی، ۱۳۹۹: ج ۱: ۳۶۳)، حضور چهره‌های سرشناسی چون هشام بن حکم (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۳۲۷) و علمای برجسته شیعه مانند شیخ مفید، طوسی، سید رضی و سید مرتضی، روی کار آمدن حکومت شیعی آل بویه و نیز نزدیکی این محله به مرقد امام کاظم (ع) و امام جواد (ع). افزون بر این، با بررسی تاریخ محله کرخ، می‌توان آن را به عنوان یکی از کانون‌های مهم تجمع شیعیان در بغداد به شمار آورد. با توجه به مرکزیت بغداد و فضای نسبتاً باز دوره آل بویه، شیعیان کرخ از امکان ترویج آیین خود برخوردار شدند.

در مقابل، محله «باب البصره» در مجاورت یکی از دروازه‌های شهر قرار داشت و سکونتگاه عباسیان و به ویژه حنبلیان بود که از مخالفان سرسخت شیعیان کرخ محسوب می‌شدند. از آنجا که بغداد مرکز خلافت عباسی بود، گروه‌های مختلف سنی‌مذهب در سطح شهر پراکنده بودند، اما شیعیان به دلیل قرار گرفتن در اقلیت و تحت فشار حکومت، ناگزیر به زندگی متمرکز در محلات خاصی بودند (نعیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۶).

دوره خلافت عباسیان بین سال‌های ۲۳۳ تا ۳۳۴ ق، عصر سیطره جریان حدیث‌گرایی بود. در این برهه، متوکل عباسی (حکومت ۲۳۲-۲۴۷ ق) با سرکوب روشنفکران و محدود کردن آزادی‌های فکری، زمینه‌های رشد علمی را در بغداد از بین برد. این دوران که همزمان با غیبت صغری بود، به افول مرکزیت علمی بغداد انجامید (رضاداد، ۱۳۹۸: ۳۲). سال‌های ۳۳۵ تا ۴۴۷ ق، دوره ضعف خلفا و قیام‌های ضدعباسی بود؛ اما به دلیل وجود حکومت‌های مقتدری مانند آل بویه در ایران و عراق،

فاطمیان در مصر و حمدانیان در شام، جامعه علمی دچار هرج و مرج نشد. در قرن چهارم، با تسلط حکومت شیعی آل بویه، بغداد به عرصه تقابل میان شیعه و سنی تبدیل گردید. هرچند در این سده، تضعیف خلافت سنی و سلطه بویه‌یان شیعه‌مذهب، می‌توانست به همگرایی دو فرقه بینجامد، اما در عمل به تحکیم مواضع اهل سنت و تا حدی افزایش تقیه شیعیان انجامید (مسعودی، بی‌تا: ۳۴۶-۳۴۷؛ متز، ۱۳۶۴: ج ۱: ۲۱-۲۶).

در این برهه تاریخی، مباحث کلامی بین اهل سنت و شیعه، غالباً در قالب موضوعات تاریخی- مسئله ولایت حضرت علی (ع)-دنبال می‌شد. از سوی دیگر، جریان فضائل‌تراشی برای خلفا توسط اهل حدیث و حنبله در قرن‌های سوم و چهارم، واکنش جامعه شیعه را برانگیخت. به عبارت دیگر، رویکرد تقابلی شیعیان-که اهل سنت از آن با عنوان «سب صحابه» یاد می‌کنند-پاسخی به عملکرد جریان‌های رقیب در ساختن فضایل جعلی بود.

شیعیان بغداد در قرون سوم و چهارم هجری رو به فزونی بودند، لذا فقها و محدثان شیعه موفق شدند علی‌رغم حاکمیت سیاسی و اجتماعی اهل سنت در بغداد، به ترویج فقه و حدیث مبادرت ورزند و در محافل خود به بیان مثالب خلفا بپردازند (دارقطنی، ۱۴۰۴: ۱۵۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۵: ۲۲؛ معارف، ۱۳۷۴: ج ۱: ۳۷۳). در این دوره، حتی برخی علمای اهل سنت که مواضع تند شیعیان را تأیید نمی‌کردند، مورد خشونت واقع می‌شدند؛ برای مثال، نسائی (۳۰۳ق) به دلیل انکار فضیلت برای معاویه مضروب شد (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۱۱: ۱۴۰) یا حمله ناصبی‌های شام به مجلس درس ابوسلیمان محمد بن عبدالله ربیع دمشقی (۳۷۹ق) نمونه‌ای از این درگیری‌ها بود (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۳: ۶۲۳). این شرایط بسیاری از عالمان اهل سنت را به تألیف کتاب‌های فضائل سوق داد تا در برابر شیعیان موضع‌گیری کنند.

افزون بر این، پیروزی سلسله آل بویه در تقویت حوزه‌های شیعه در ایران و بغداد بسیار مؤثر بود. همان‌گونه که در کتاب «تاریخ شیعه» آمده‌است: «وقتی آل بویه در ایران به حکومت رسیدند و فرمانروایی بغداد را به دست گرفتند، دانش و حکومت دست‌به‌دست هم دادند و در خدمت به مذهب اهل بیت (ع)، شمشیر و قلم یاری‌گر یکدیگر شدند. دانشمندان برجسته در همراهی سلاطین آل بویه به ترویج و تقویت تشیع پرداختند و در این دوره، تدریس فقه جعفری، علم کلام و علوم اهل بیت (ع) در بغداد متمرکز شد. علما و رجال سرشناسی همچون ابن قولویه، شیخ مفید، سید رضی و سید مرتضی در این عصر ظهور کردند.» (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۵۴).

صاحبان کتب اربعه نیز هر یک به نحوی با حوزه علمی بغداد مرتبط بودند: کلینی در این شهر کتاب الکافی را به شاگردان خود-از جمله ابوغالب زراری-عرضه کرد (زراری، ۱۴۱۱: ۱۷۷). شیخ صدوق در سال ۳۵۵ق به بغداد رفت و از مشایخ حدیث آن شهر بهره گرفت؛ همچنین مشایخ بغداد نیز از او حدیث دریافت کردند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸۹). شیخ طوسی در سال ۴۰۸ق وارد بغداد شد و تا سال ۴۴۸ق در مقام شاگرد، استاد حدیث و رییس حوزه به فعالیت پرداخت. در این مدت، درگیری‌های

مکرری بین شیعیان و اهل سنت رخ داد و در آخرین مورد (۴۴۸ق)، کتابخانه و حوزه درسی شیخ طوسی مورد حمله و آتش‌سوزی قرار گرفت (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۶: ۸). این واقعه موجب مهاجرت او به نجف و تأسیس حوزه علمیه نجف شد. اگرچه با رفتن شیخ طوسی، بغداد کاملاً از حضور شیعیان و محدثان خالی نشد، اما هرگز آن مرکزیت علمی پیشین خود را بازیافت (برای مطالعه بیشتر رک: معارف، ۱۳۷۴: ج ۱: ۳۷۰-۳۷۴).

بدین ترتیب دارقطنی در دوره‌ای در بغداد زندگی می‌کرد که حاکمیت سیاسی در دست شیعیان بود. اگرچه فعالیت‌های علمی گسترده‌ای توسط عالمان صورت می‌گرفت، اما رویکرد دانشمندان-از جمله دارقطنی-نسبت به حکومت حاکم متفاوت بود. طبیعی است که اگر حاکمیت با دیدگاه‌های فکری و مذهبی آنان همسو می‌بود، در جهت تقویت آن گام برمی‌داشتند و در غیر این صورت، به مخالفت برمی‌خاستند. دارقطنی به عنوان عالمی سنی مذهب، مبانی فکری همسو با حکومت آل بویه نداشت؛ از این رو، تلاش او برای حفظ عقاید خود و نفی دیدگاه‌های مخالف، امری اجتناب‌ناپذیر بود.

۱-۲-۲. تقابل شیعه و اهل سنت

پیش از دوران معزالدوله دیلمی، مسئله «سب صحابه»-که از سوی گروهی از شیعیان ترویج می‌شد- در سال‌های ۳۴۶، ۳۴۸ و ۳۴۹ق موجب درگیری‌هایی میان شیعیان و اهل سنت بغداد شده بود، که با فرمان معزالدوله رسمیت یافت (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۷: ۶۳۰-۶۳۵). علاوه بر سب معاویه، معزالدوله دو رسم دیگر نیز بنیان نهاد: نخست، تعطیلی بازارها و برگزاری عزاداری امام حسین (ع) در عاشورای سال ۳۵۲ق؛ و دوم، آذین‌بندی شهر و برگزاری جشن به مناسبت عید غدیر در هجدهم ذی‌الحجه همان سال (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۴: ۱۵۱). این دو مراسم، که پس از سال ۳۵۲ق به صورت سالانه برگزار می‌شد، به عاملی مهم در تنش‌های مذهبی تبدیل شد.

در ابتدا، به دلیل حمایت امیران آل بویه از شیعیان، اهل سنت توانایی مقابله جدی نداشتند؛ اما به تدریج، با افزایش نفوذ شیعیان، اهل سنت به واکنش متقابل گراییدند (همان، ۱۴۱۲: ج ۱۴: ۱۱۵). تا آنجا که در سال ۳۶۳ق فتنه‌ای بزرگ میان دو فرقه شیعه و سنی درگرفت و اهل سنت با شبیه‌سازی جنگ جمل، خشم شیعیان را برانگیختند. در دوران حکومت آل بویه در بغداد، مسائل مربوط به صحابه، واقعه عاشورا و واقعه غدیر از مهم‌ترین عوامل اختلاف بودند. خلفا و حاکمان سنی می‌کوشیدند با ممنوعیت برگزاری مراسم عاشورا و غدیر، از درگیری‌ها جلوگیری کنند؛ برای مثال، در سال ۳۸۲ق، ابوالحسن علی بن محمد کوبی (مشهور به ابن معلم) فرمان ممنوعیت مراسم عاشورا را صادر کرد که تا سه سال ادامه یافت (همان، ۱۴۱۲: ج ۱۴: ۳۶۱).

معزالدوله در سال ۳۵۰ق، به حمایت از شیعیان و احیای مراسم مذهبی آنان، قوانینی تصویب کرد که تحولاتی در دارالخلافه عباسیان پدید آورد؛ از جمله، لعن معاویه را مجدداً رواج داد و دستور داد آن را بر دیوار مساجد بنویسند (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ج ۷: ۲۳۲). این اقدام خشم اهل سنت را برانگیخت. در اواخر حکومت آل بویه، برخلاف دوره اوج قدرت آنان، هرج و مرج و ناامنی در بغداد حاکم شد.

اهل سنت از ضعف حاکمان بویهی استفاده کردند و با حمله به محلات شیعه‌نشین و عالمان شیعه، درصدد افزایش قدرت برآمدند. امیران دیلمی برای پایان دادن به این منازعات، برگزاری مراسم عاشورا و غدیر را ممنوع اعلام کردند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۸: ۶۷).

به این ترتیب، درگیری‌های شیعه و سنی در دوره آل بویه تشدید شد و سب صحابه-که از سوی جریان از شیعیان ترویج می‌شد-به عاملی برای تحریک احساسات و واکنش علمای اهل سنت تبدیل گشت. ابوبکر شافعی، امام مذهب شافعی، هنگامی که دریافت امیران آل بویه نه تنها از سب خلفا جلوگیری نمی‌کنند، بلکه خود عامل نگارش لعن بر دیوار مساجد هستند، به وعظ و تبلیغ فضایل خلفا و صحابه در مجامع عمومی بغداد پرداخت (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۴: ۱۷۲). در این دوره، نقش علما به عنوان نظریه‌پردازان فرقه‌های مختلف-اعم از شافعی، حنبلی، حنفی و شیعی-قابل توجه بود؛ آنان می‌کوشیدند با مداخله در امور سیاسی، نفوذ و قدرت خود را افزایش دهند.

تنش‌ها و نزاع‌های میان گروه‌های سیاسی و مذهبی شیعه و سنی، دارای وجوه مثبت و منفی بود: مثبت از آن جهت که گاهی به تضارب آراء و بویایی فقه و کلام می‌انجامید و زمینه را برای درک بهتر فعالیت‌های علمی فراهم می‌کرد؛ و منفی از آن رو که گاه به برخوردهای فیزیکی، فرهنگی و تفرقه‌افکنی میان مسلمانان منجر می‌شد. در سده‌های چهارم و پنجم قمری، مناسبات میان فرق مختلف در بغداد که مرکز سیاسی و فرهنگی جهان اسلام بود عمدتاً مبتنی بر تقابل و کینه‌توزی بود و کمتر جنبه گفتگویی و تعاملی داشت (نعیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱ و ۹۰).

در چنین شرایطی، اقدامات دارقطنی که از علمای شافعی مذهب و منتقدان جدی بخاری و مسلم بود نیازمند تحلیل است. وی در فضای تقابلی حاکم بر بغداد، کتاب فضائل الصحابه را نگاشت که حتی با مبانی رجالی خودش نیز سازگاری کامل ندارد. می‌توان دریافت که دارقطنی تحت تأثیر گفتمان تقابلی شیعه و سنی، با تألیف این کتاب در پی تثبیت و حفظ جایگاه خلفا-به ویژه شیخین-بوده‌است.

۱-۲. جریان‌های فکری بغداد

یکی دیگر از مصادر بیرونی دستیابی و کشف رویکرد دارقطنی، توجه به شرایط اجتماعی بوم حدیثی بغداد، به عنوان محل تولد و زیست دارقطنی است. قرن چهارم و پنجم هجری که همزمان با عصر حیات دارقطنی است؛ دوران حاکمیت تشیع در بغداد و همچنین وجود انشعابات مختلف از فرق گوناگون فکری در بغداد است. از جمله عوامل مؤثر بر هر مؤلفی، گفتمان‌های موجود در جامعه آن مؤلف است. لذا بررسی این عوامل جهت راهیابی به رویکرد دارقطنی در نگارش کتاب فضائل الصحابه ضروری می‌نماید.

دانش حدیث در سده‌های میانه بر تمامی علوم و معارف اسلامی حاکم بوده و احاطه داشته‌است. به همین سبب محدثان را در این دوران می‌توان پایه‌گذار هریک از شاخه‌های علوم اسلامی به شمار آورد. مکتب مدینه و کوفه و پس از آن با شروع غیبت، حوزه ری، قم و بغداد حاکمیت علمی یافتند؛

به طوری که مکتب مدینه و کوفه به دلیل موقعیت و جایگاه خاص مذهبی و فرهنگی همواره تا قرن سوم مورد توجه عالمان و دانشمندان بود و همزمان با آغاز دوران غیبت، رونق علمی و فرهنگی از کوفه و مدینه به ری و قم منتقل گردید.

با آغاز قرن چهارم و شروع حکومت آل بویه مکتب بغداد بر مجامع علمی شیعه حاکم شد و دیگر مکاتب تحت تأثیر این مکتب قرار گرفتند. از سوی دیگر مکتب بغداد را به علت تقارن با برخی از جریان‌های تاریخی و پیوندهای احادیث با استنباط‌های فقهی و گرایش‌های عقلی می‌توان مهم‌ترین مکتب در تاریخ حدیث، فقه و کلام محسوب کرد (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۷-۱۰۸؛ نیومن، ۱۳۸۴).

به طور کلی سیر تحولات تاریخی مکتب حدیثی بغداد را می‌توان در دو دسته جای داد: نخست دوران امام صادق (ع) تا ابتدای خلافت متوکل عباسی و دوم نیمه دوم قرن چهارم و همزمان با دوران خلافت آل بویه. بنابراین فضائل نگاری صحابه را چنانچه بیان شد، با توجه به حوادثی که در بستر زمانی تدوین اینگونه کتب به وقوع پیوست، یعنی از قرن سوم تا پنجم، می‌توان واکنشی علمی از سوی فرق مختلف اسلامی در برابر حرکت‌های سیاسی، مذهبی و کلامی نیز قلمداد نمود (هدایت پناه، ۱۳۹۸: ۱۷۸).

۱-۲-۱. حضور فرقه‌های متعدد

بغداد از دیرباز میزبان پیروان مذاهب و فرقه‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی بود. مسلمانان این شهر عمدتاً به دو گروه شیعه و سنی تقسیم می‌شدند که شیعه امامیه بخش قابل توجهی از جمعیت مسلمان را تشکیل می‌داد. مذاهب اربعه اهل سنت نیز در بغداد حضور فعال داشتند و آنان، حنبلیان از نفوذ سیاسی و مذهبی چشمگیری برخوردار بودند و به عنوان مخالفان سرسخت آل بویه عمل می‌کردند (متز، ۱۳۶۴: ج ۱: ۴۷-۷۴؛ فقیهی، ۱۳۵۷: ۴۸۵-۴۸۹).

در کنار تشیع، دو جریان فکری معتزله و اهل حدیث از مکاتب کلامی تأثیرگذار در بغداد به شمار می‌رفتند (همان، ۱۳۶۴: ج ۱: ۷۸؛ کرمر، ۱۳۷۵: ۱۱۷؛ مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۳۶). ارتباط نزدیک امامیه و معتزله به حدی بود که برخی سال ۳۷۰ ق را زمان پیوند این دو جریان دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۲۶: ۲۷۷).

مذاهب مالکی و شافعی، اگرچه از نظر تاریخی شاخه‌هایی از اهل حدیث محسوب می‌شدند، در قرن چهارم به عنوان مذاهبی مستقل شناخته می‌شدند (پاکتچی، ۱۳۹۸: ج ۹: ۷۱۹). مذهب شافعی توسط «عثمان بن بشار ابوالقاسم بغدادی الماطی» در بغداد تبلیغ می‌شد و طرفدارانی یافت. شافعیان، همچون امام خود، ارادت ویژه‌ای به حضرت علی (ع) داشتند (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۳۸۷) و عموماً مگر در مواردی که ابزار دست خلفای عباسی می‌شدند-مخالف جدی شیعیان نبودند.

در میان مذاهب اهل سنت، حنبلیان به دلیل نشأت گرفتن این مذهب در بغداد، از شمار بیشتری برخوردار بودند. مخالفت شدید آنان با شیعیان به درگیری‌های مذهبی متعددی در تاریخ بغداد انجامید (نعیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷). نفوذ حنابله در دهه‌های آغازین قرن چهارم افزایش یافت و آنان که حضور پررنگ شیعیان در دستگاه خلافت را برنمی‌تاییدند، برای احیای سنت و تأثیرگذاری بر خلیفه تلاش فراوانی کردند. این تلاش‌ها در سال ۳۰۶ ق به شورش انجامید که ناموفق بود و عده‌ای از حنابله به دستور خلیفه به بصره تبعید شدند (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ج ۵: ۶۴).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان دریافت که فرقه‌گرایی و تکثر مذاهب، از جمله عوامل بحران‌زایی است که بر تعامل و وحدت پیروان یک دین تأثیر می‌گذارد و ریشه در اختلافات فکری یا سیاسی دارد. هر فرقه برای مقابله با رقبا به تبیین دیدگاه‌های خود می‌پردازد و رقابت فکری شکل می‌گیرد. هنگامی که پیروان و عالمان این فرق در منطقه‌ای واحد مانند بغداد زندگی می‌کنند، گاه به تساهل و تعامل گرایش می‌یابند و گاه اختلافات به نزاع و مقابله می‌انجامد.

۱-۲-۲. جریان اهل حدیث

اهل حدیث، فرقه‌ای فقهی-اجتهادی در اهل سنت، در تقابل با اهل رأی قرار داشت و بر پایبندی به ظواهر نصوص دینی و احادیث تأکید می‌کرد. مهم‌ترین اختلاف در میان اصحاب حدیث، مربوط به مواضع سیاسی-کلامی آنان در مسئله امامت و قیام مسلحانه بود (پاکتچی، ۱۳۹۸: ج ۹: ۷۱۹).

در میان اصحاب حدیث، دو نگرش متمایز درباره خلافت عثمان وجود داشت: گروهی به رهبری حسن بن صالح بن حی، حتی از ترحم بر عثمان پرهیز می‌کردند و با رویکردی خصمانه نسبت به خلافت عباسی، به ترک نماز جمعه و قیام مسلحانه تمایل داشتند. در مقابل، طیفی از اصحاب حدیث با گرایش متشیع-که به غیرشیعیان نزدیک‌تر بودند-تشیع را تنها در حد تفضیل امام علی (ع) بر عثمان محدود می‌کردند و امامت همه خلفا از پیشینیان تا عباسیان را محترم می‌شمردند. این گروه که افرادی مانند سفیان ثوری در رأس آن قرار داشتند، با ترک نماز جمعه و قیام مسلحانه مخالف بودند (ذهبی، ۱۴۱۶: ج ۲: ۲۴۵-۲۴۷).

مناظرات کلامی اصحاب حدیث عموماً جنبه جدلی و دفاعی داشت و مخاطبان اصلی آنان، که از سوی اصحاب حدیث «اهل اهواء» خوانده می‌شدند، دیگر فرق کلامی بودند (پاکتچی، ۱۳۹۸: ج ۹: ۷۱۹). نکته قابل توجه آن که پیش از تألیف کتاب «فضائل الصحابه» توسط احمد بن حنبل، بسیاری از اهل سنت (به‌ویژه عثمانیان) قائل به تثلیث خلفا (ابوبکر، عمر و عثمان) بودند و امام علی (ع) را به عنوان خلیفه چهارم به رسمیت نمی‌شناختند. ابن قتیبه دینوری در این باره می‌نویسد: «اهل حدیث در واکنش به افراط روافض در محبت علی (ع)، خود به تضعیف جایگاه او پرداختند و با انکار فضایلش، از طریق خدشه در اسناد احادیث مربوط به او، حقش را ضایع کردند» (دینوری، ۱۴۰۵: ۴۲-۴۱).

احمد بن حنبل با گنجاندن فضایل امام علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم در کتاب خود، نظریه «تربیع خلافت» را تثبیت کرد که اقدامی تقریب‌گرایانه و مهم در عرصه سیاسی-مذهبی بود (هدایت‌پناه، ۱۳۹۸: ص ۱۸۵).

اهل سنت با پذیرش اصل عدالت تمام صحابه و حجیت گفتار و کردار آنان به عنوان کاشف از سیره پیامبر (ص)، برای صحابه مرجعیت دینی قائلند (ابن صلاح، بی‌تا: ۱۷۵؛ حافظیان بابل، ۱۴۲۴: ج ۲: ۱۹۸؛ هدایت‌پناه، ۱۳۹۸: ۳۷).

بررسی آثار دارقطنی نشان می‌دهد که او قائل به افضلیت خلفای سه‌گانه بر امام علی (ع) بود و در مناقشات بغداد درباره برتری علی (ع) یا عثمان، با استناد به اجماع صحابه، عثمان را برتر می‌دانست و ابوبکر و عمر را از هر دو بالاتر می‌شمرد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱۳: ۴۸۸؛ رحیلی، بی‌تا: ۹۹-۱۰۱). اگرچه دارقطنی شافعی‌مذهب بود و شافعیان معمولاً ارادت خاصی به امام علی (ع) داشتند، ولی او به عنوان یک محدث اهل حدیث، در تقابل با شیعیان، مواضعی تند اتخاذ می‌کرد و در زمره جریان افراطی ضد تشیع قرار می‌گرفت (رحیلی، بی‌تا: ۱۰۰).

همچنین، رهبران شافعی در پاسخ به جریان سب خلفا، به وعظ و تبلیغ فضایل خلفا و صحابه روی آوردند. بنابراین، فضائل‌نگاری دارقطنی-به عنوان یک عالم شافعی-در تقابل با گفتمان شیعی آن عصر قابل درک است. او معتقد بود که عثمان بر علی (ع) برتری دارد و ابوبکر و عمر بهترین‌اند؛ و هر که مخالف این نظر باشد، از روی بغض به شیخین است و سزاوار مجازات (ذهبی، ۱۴۱۴: ج ۱۶: ۴۵۷؛ رحیلی، بی‌تا: ۲۴).

بدیهی است که چنین فضای فکری-سیاسی بر آثار عالمان بغداد-آگاهانه یا ناخودآگاه-اثر می‌گذاشت. همان‌گونه که احمد بن حنبل تحت تأثیر شرایط عصر خود به تألیف «فضائل الصحابه» دست زد، دارقطنی نیز-با توجه به رویدادها و فضای حاکم بر بغداد در قرن چهارم-آثار خود از جمله کتاب «فضائل الصحابه» را با رویکردی متأثر از این فضا پدید آورد.

۳-۲-۱. جریان معتزله

بدون شک، در جامعه علمی اسلامی، فرقه‌های مختلف در کنار یکدیگر حضور داشته و با هم تعامل فکری داشتند. یکی از مهم‌ترین مکاتب کلامی که نقش تاریخی و عقیدتی برجسته‌ای ایفا کرد، مکتب معتزله بود. واژه «معتزله» از «اعتزال» به معنای کناره‌گیری و دوری گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱: ۴۴۰). این فرقه که از مشهورترین مکاتب کلامی به شمار می‌رود، توسط واصل بن عطا در قرن دوم هجری در بصره بنیان نهاده شد (موسوی جاجرمی و فیضی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

این جریان فکری در بصره و بغداد شکل گرفت و به تدریج به اوج رسید. از جمله اختلافات بین معتزله بغداد و بصره، می‌توان به اعتقاد معتزلیان بغداد به افضلیت امام علی (ع) و گرایش آنان به تشیع اشاره کرد. معتزله بغداد دیدگاه‌های همسو با عقاید شیعیان داشتند و پس از پیامبر (ص)، امام

علی (ع) را برترین فرد می‌دانستند. همچنین، این گروه امامت مفضول (فرد کمتر شایسته) را در شرایطی جایز می‌شمردند و به خلافت سه خلیفه نخست و نیز امامت هرکس که مورد بیعت امت قرار گیرد، معتقد بودند (اسکافی، ۱۳۷۴: ۱۳).

با مهاجرت کوفیان به بغداد و تقویت گرایش‌های شیعی در این شهر، استدلال‌های عقلی معتزله باعث شد تا آنان هرچه بیشتر به امام علی (ع) گرایش یابند و این امر به هماهنگی و نزدیکی فزاینده‌ای بین معتزله و تشیع انجامید. در چنین فضایی، واکنش علمای اهل حدیث از اهل سنت در برابر جریان معتزله امری طبیعی بود. حضور جریان معتزله در کنار حاکمیت تشیع در بغداد، دانشوران اهل سنت و اهل حدیث-از جمله دارقطنی-را برانگیخت تا در برابر فعالیت‌های آنان موضع‌گیری کنند.

۲. دیدگاه منتخب درباره عوامل مؤثر بر رویکرد دارقطنی

با توجه به اوج‌گیری مباحث مربوط به خلفا در میان مسلمانان از قرن چهارم هجری به بعد و انتقادات فزاینده نسبت به عملکرد صحابه و خلفا، اهل سنت با دو روش اصلی درصدد حفظ جایگاه آنان برآمدند: گروهی با نگارش کتب فضائل و گروهی دیگر با تألیف آثار «معرفة الصحابه» کوشیدند تا به تثبیت و تحکیم این جایگاه کمک کنند. این آثار با هدف شناساندن بهتر جایگاه صحابه پیامبر (ص) به ویژه خلفای سه‌گانه تدوین شدند. کتاب «فضائل الصحابه» دارقطنی، به عنوان یکی از آثار فضائل‌نگارانه قرن چهارم، در راستای تحکیم جایگاه خلفا به ترویج احادیث مربوطه پرداخته و خوانش آن نشان می‌دهد که این اثر مانند دیگر منابع تاریخی و مذهبی متنی بی‌طرف نیست، بلکه بازتاب‌دهنده اندیشه‌ها و رویکردهای مؤلف و احتمالاً متأثر از گفتمان‌های غالب در بافت جغرافیایی-فرهنگی عصر اوست.

ازطرفی، دیگر تألیفات دارقطنی نیز حاکی از اعتقاد او در ردّ رویکرد تشیع است. مانند آنچه «سلمی» از او نقل کرده است: «وسألته عن محمد بن المظفر فقال: ثقة مأمون، فقلت: يقال إنه يميل إلى الشيعة، فقال: قليلاً، مقداره ما لا يضُرُّ إن شاء الله» (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۵۶: ۷؛ ذهبی، ۱۴۲۸: ج ۳: ۱۲۶). به‌علاوه محتوای کتاب فضائل الصحابه نیز همگی در ردّ شیعیانی است که میان حضرت علی (ع) و خاندان ایشان با اصحاب پیامبر (ص) خصوصاً شیخین اختلاف ایجاد کردند. باتوجه به نسخه‌های باقی مانده از کتاب فضائل الصحابه، دارقطنی ضمن آنکه اقوال اهل بیت (ع) را درباره خلیفه اول و دوم ذکر می‌کند، شیعیانی که قائل به اختلاف میان اهل بیت پیامبر (ص) و سایر اصحاب ایشان بودند را نیز مذمت نموده است (دارقطنی، ۱۴۱۹؛ رحیلی، بی‌تا: ۱۰۰).

به نظر می‌رسد دستیابی به نوع نگرش و رویکرد دارقطنی به صحابه در کتاب فضائل الصحابه، در امتداد بررسی دیگر آثار دارقطنی نیز امکان‌پذیر است. بایدتوجه داشت دارقطنی یک فقیه-محدث و سنن‌نگار است. در کتاب سنن به قول و فعل صحابه ارجاع داده می‌شود، لذا دارقطنی ابتدا باید افرادی را که در زمره صحابه قرار می‌گیرند انسان‌هایی معیار بدانند و سپس به قول و فعل ایشان حجیت و مشروعیت بخشد.

به عبارت دیگر می‌توان چنین فرضیه‌ای را مطرح نمود که او با نگارش کتاب فضائل الصحابه ابتدا درصدد حجیت و مشروعیت‌بخشی به قول و فعل صحابه بوده تا پس از این حجیت‌بخشی درنگارش کتاب سنن بتواند به ایشان استناد نماید. لکن آنچه از مقایسه کتاب سنن دارقطنی و کتاب‌های سنن نگاشته شده توسط عالمان دیگر به دست می‌آید چنین است که شیوه معمول در نگارش کتب سنن، ذکر احادیث فقهی نقل شده از پیامبر (ص) بوده است (کتانی، ۱۴۱۴: ۳۲) ولی کتاب سنن دارقطنی روشی متفاوت با دیگر کتب سنن دارد و به عبارتی برعکس آن‌هاست.

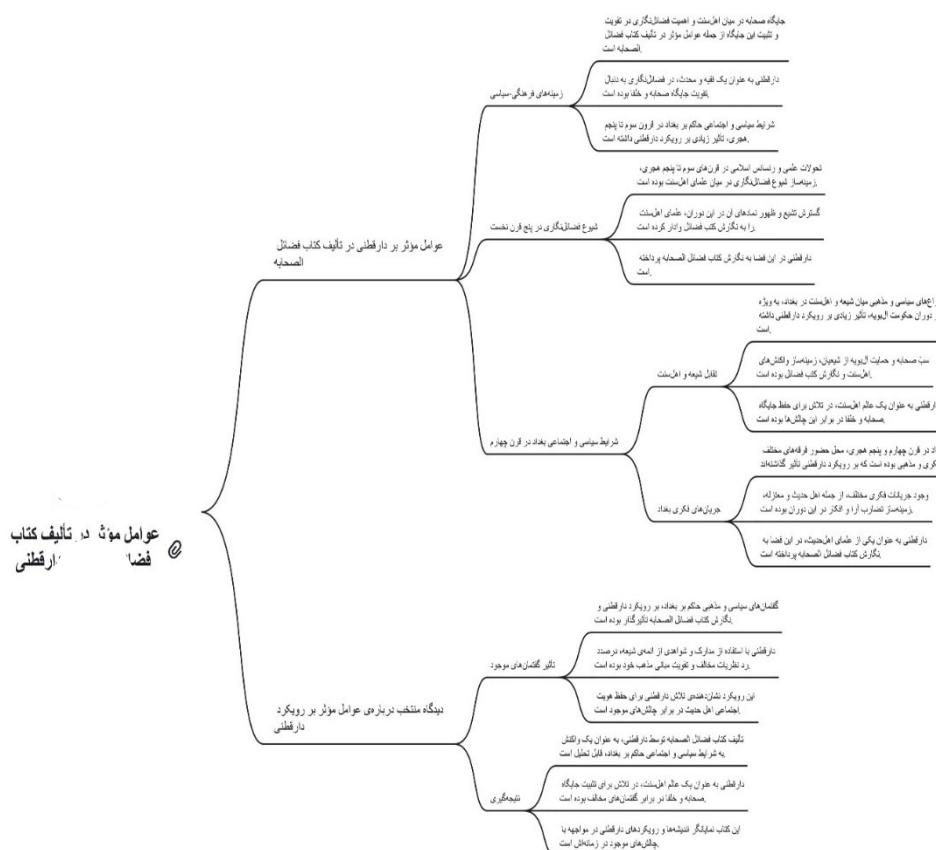
موضوع کتاب سنن او جمع‌آوری احادیث ضعیف، موضوع، مضطرب و معلل است که دارقطنی آن‌ها را به ترتیب ابواب فقهی مرتب کرده و سپس به بیان علل ضعف آن‌ها پرداخته است. هدف دارقطنی از نگارش این کتاب ذکر و بیان احادیث صحیح و حسن نبوده است (دارقطنی، ۱۴۲۴: ۳۳). برخی معتقدند هدف دارقطنی جمع‌آوری غرائب سنن بوده و به همین دلیل در کتاب سنن خود، احادیث موضوع و ضعیف را نقل کرده است (ابن تیمیه، ۱۴۱۷: ۷۸؛ زیلعی، ۱۴۱۸: ۱؛ ۳۴۰ و ۳۵۶).

همچنین واکاوای کتاب فضائل الصحابه دارقطنی چنین نتیجه می‌دهد که او درصدد بیان فضائل صحابه پیامبر (ص) نبوده و کتاب را با تأکید بر برجسته‌سازی فضائل و یا فضائل‌تراشی برای شیخین نوشته است. لذا نهایتاً از این کتاب و محتوای آن تنها حجیت‌بخشی به قول و فعل شیخین را می‌توان استنباط نمود و برخلاف عنوان کتاب که فضائل الصحابه است، فضائل صحابه پیامبر (ص) به جز شیخین در کتاب به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر این کتاب به فضائل حضرت علی (ع) و سایر ائمه (ع) که از صحابه محسوب می‌شدند، نپرداخته است (ر. ک: دارقطنی، ۱۴۱۹). البته همواره باید توجه داشت که کتاب حاضر از فضائل الصحابه دارقطنی تنها بخشی از آن است و همه آن در دسترس نیست. علاوه بر این، نمی‌توان به تعریف دقیق دارقطنی از صحابه و رویکرد او به صحابه و خلفا با توجه و دقت به اینکه او فقیه و نگارنده کتاب سنن است، دست‌یافت. زیرا روش نگارش او در این کتاب به نحوی نبوده که معیار و حجت بودن صحابه در نظر دارقطنی را بتوان از آن برداشت کرد.

آنچه مهم است اثرگذاری شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر دارقطنی همچون دیگر مؤلفان است. گفتمان حاکم بر محیط زندگی هر فردی خواه ناخواه بر او اثرگذار است، لذا دارقطنی همانند دیگر افراد، به عنوان محدث و فقیه در قرن چهارم هجری یا به تقابل با گفتمان‌های مخالف خود پرداخته و یا درصدد تحکیم و برجسته‌سازی گفتمان موردنظر خویش است.

توجه به وجود جریان‌های شیعه که به سب و لعن خلفا و صحابه در این دوران می‌پرداختند و نیز حاکمیت سیاسی شیعه در بغداد، همراه با دقت به اهل حدیث بودن دارقطنی و در نظر داشتن فضایی که حتی امام شافعی مذهب‌ان نیز به بیان فضائل خلفا می‌پردازد؛ تحت تأثیر شرایط جغرافیایی قرارگرفتن و مقابله با جو سیاسی-اعتقادی حاکم که مخالف با گفتمان مورد پذیرش دارقطنی بوده است، به آسانی به ذهن متبادر می‌شود. چنانچه از نگارش کتاب فضائل الصحابه توسط او در چنین دوره‌ای می‌توان به رویکرد او نسبت به صحابه و خصوصاً شیخین و برجسته بودن خلافت و شخصیت ایشان در ذهن او پی برد.

بدین ترتیب مطابق با آنچه در این پژوهش مطرح گردید، دارقطنی به عنوان یکی از علمای سرآمد اهل حدیث سنی مذهب، در راستای اعتلای مبانی مذهب و مسلک خویش با روش اسکاات خصم و با استفاده از مدارک و شواهدی از ائمه شیعه (ع) دست به نگارش کتاب فضائل الصحابه زده‌است. این تحلیل و استنباط از رویکرد دارقطنی را بررسی فضای حاکم در قرن چهارم بوم حدیثی بغداد که دارقطنی در آن می‌زیسته، نیز تأیید می‌کند.



نمودار ۱- خلاصه‌ای از عوامل مؤثر در تألیف کتاب فضائل الصحابه دارقطنی

نتایج

برایند دستاوردهای این پژوهش بدین شرح است:

۱. بررسی بوم حدیثی بغداد برای دستیابی به نوع رویکرد دارقطنی که متأثر از آن بوم بوده دارای اهمیت است. بنابراین نوعی رابطه مستقیم میان فضای حاکم بر محیط زندگی دارقطنی، با نوع رویکرد او و آنچه که می‌نگارند، وجود دارد. چراکه آثار تألیفی مؤلفان بازتاب رویکردهای ایشان

است که این رویکرد مؤلف با توجه به شرایط محیطی و گفتمان‌های موجود در زمانه وی ایجاد می‌شود.

۲. با استفاده از عوامل مؤثر بر رویکرد دارقطنی به عنوان یک فضائل‌نگار و مؤلف کتاب فضائل الصحابه؛ می‌توان به کشف رویکرد او با توجه به زمینه‌های فرهنگی-سیاسی و جریان‌های فکری موجود در بغداد پرداخت.

۳. بررسی رویکرد یک مؤلف به سبب تأثیری که برنگاشته‌های او دارد دارای ضرورت است. ازجمله عوامل مؤثر بر رویکرد دارقطنی زمینه‌های فرهنگی موجود در روزگار حیات او در بغداد و میراث فرهنگی موجود در زمان اوست. گسترش تشیع و همزمانی رنسانس اسلامی با آن، سبب تألیف آثار بسیاری شد که فضائل‌نگاری‌ها گروهی از آنان بودند؛ لذا دارقطنی با قرار داشتن در این فضای فرهنگی که دوران اوج نگارش کتاب‌های فضائل بوده و تحت تأثیر آن شرایط محیطی، کتاب فضائل الصحابه را نگاشته‌است.

۴. گفتمان موجود در بوم حدیثی بغداد به عنوان محل زندگی دارقطنی، گفتمانی سیاسی-مذهبی بود که برهه‌ای همزمان با حیات دارقطنی به اوج تنازعات خود رسید. علاوه بر مذاهب و جریان‌های فکری گوناگون موجود در بغداد، طرفداران دو فرقه اصلی شیعه و اهل سنت به واسطه نوع حاکمیت بغداد در تقابل با یکدیگر قرار داشته و در فضایی غیرتعاملی درصدد تحکیم و حفظ مبانی نظری و اعتقادی خویش بودند. درچنین شرایطی دارقطنی به عنوان فقیه-محدثی شافعی مذهب و درعین حال اهل حدیث، برای مقابله با گفتمان رقیب اقدام خواهد کرد. لذاست که دست به تألیف کتاب فضائل الصحابه به منظور برجسته‌سازی فضائل خلفا زده‌است. قاعدتاً در این فضای تقابلی گفتمان سیاسی-مذهبی بغداد، دارقطنی در برابر مواضع موجود در گفتمان رقیب (شیعه) با نگارش فضائل الصحابه در راستای القای حقانیت برخی رویکردهای خویش گام برداشته‌است.

۵. با توجه به بررسی علل فرا اعتقادی مؤثر بر دارقطنی در نگارش کتاب فضائل الصحابه، هدف دارقطنی از نگارش این کتاب نظریه‌پردازی نبوده، بلکه درصدد ایفای نقشی کنش‌گرانه در صنف محدثان آن روزگار بوده‌است. به دیگر بیان، دارقطنی در تلاش بوده تا با نگارش این کتاب هویت اجتماعی اصحاب حدیث را در گفتمان موجود در بغداد قرن چهارم تثبیت نماید.

۶. دارقطنی در کتاب فضائل الصحابه به شواهد و مدارکی از شیعیان استناد جسته تا مبانی آنان را رد و مبانی مذهب خویش را اثبات نماید. بررسی‌های گفتمانی و شرایط سیاسی-اجتماعی بوم زندگی او نیز استنباط رویکرد اسکات خصم را برای دارقطنی در نگارش این کتاب تأیید می‌نماید.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۷ق). الكامل فی التاریخ. تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۲ق). المنتظم. تحقیق: محمد ومصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۱۵ق). الاصابة فی تمییز الصحابه. تحقیق: علی محمد معوض وعادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- _____ (۱۴۰۶ق). لسان المیزان. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۳۰ق). فضائل الصحابه. تحقیق: وصی الله بن محمد عباس، قاهره: دار ابن الجوزی.
- ابن خلکان، احمد (بی تا). وفيات الاعیان و انبا ابناء الزمان. تحقیق: احسان عباس، قم: منشورات الرضی.
- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن (بی تا). مقدمة ابن صلاح فی علوم الحديث. تحقیق: ابو عبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینه دمشق. تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۸ق). البدایة والنهاية. تحقیق: علی شیری، بیروت: دار التراث العربی.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۷۹ق). تجارب الامم. ترجمه: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶ش). الفهرست. تحقیق: رضاتجدد، تهران: بانک بازرگانی ایران.
- ابوریه، محمود (۱۳۸۹ش). اضاء علی السنة المحمدیه. قم: انصاریان.
- آزادی، علیرضا وزمانی، محمد حسن (۱۳۹۴ش). تحلیل روش و آسیب های مناقب نگاری علمای شافعی درباره امیرالمؤمنین. حدیث و اندیشه، (۱۹)، ۵-۳۰.
- اسکافی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۴ش). المعیار والموازنه در برتری امیرالمؤمنین (ع). ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشرنی.

- اسماعیل یاشا، (بی تا). ایضاح المکنون. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- اصغریور، حسن (۱۳۸۸ش). کتاب شناسی تاریخی مناقب نگاری اهل بیت (ع) از آغاز تا پایان قرن سوم. نشریه مشکوة، (۱۰۲)، ۱۳۰-۱۵۳.
- باقریان، زهره و شفیعی، سید محمد (۱۳۹۹ش). بررسی هویت خلفای راشدین در فضائل الصحابه نسایی. مطالعات تاریخ فرهنگی، (۴۴)، ۱-۲۹.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۸ش). اصحاب حدیث، دانشنامه بزرگ اسلامی. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- حاجی خلیفه، مصطفی عبدالله (بی تا). کشف الظنون. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۴۲۴ق). رسائل فی درایة الحدیث. قم: دارالحدیث.
- حسینی شاکری، (۱۴۱۷ق). ربع قرن مع علامه الامینی. قم: بی نا.
- خضری، احمد رضا (۱۳۹۰ش). تشیع در تاریخ. دیپاچه نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه، قم: نشر معارف.
- خطیب بغدادی، احمد (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد. مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۴ق). ضعفاء و المترکون. تحقیق: موفق بن عبدالله، ریاض: المعارف.
- _____ (۱۴۱۹ق). الجزء الحادی عشر من فضائل الصحابه. تحقیق: محمدرباح، مدینه: مکتبة الغرباء الاثرية.
- _____ (۱۴۲۲ق). الجزء الحادی عشر من فضائل الصحابه. تحقیق: حلوانی، جدّه: دار ماجد عسیری.
- _____ (۱۴۲۴ق). السنن. تحقیق: شعيب الأرناؤوط، بیروت: الرساله.
- _____ (۱۴۳۳ق). اسماء الصحابه التي اتفق فيها البخاری و مسلم و ما انفرد به كل واحد منهم ادون صاحبه. تحقیق: جابر بن عبدالله السریع، ریاض: دارالعاصمه.
- دینوری، ابن قتیبہ عبدالله بن مسلم (۱۴۰۵ق). الاختلاف فی اللفظ و الرد علی الجهمیة و المشبهه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۰۹ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام. تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- _____ (۱۴۱۴ق). سیر اعلام النبلاء. تحقیق: شعيب الارنؤوط، بیروت: الرساله.
- _____ (۱۴۲۸ق). تذکره الحفاظ. تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه.

_____ (۱۴۱۶ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال. تحقیق: عبدالفتاح ابوسنة، بیروت: دارالکتب العلمیه.

رحیلی، عبدالله، (بی تا). الامام ابوالحسن الدارقطنی وآثاره العلمیه. جده: الخضراء.

رضاداد، علیه (۱۳۹۵ش). مکتب حدیثی بغداد از قرن دوم تا نیمه قرن پنجم هجری. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

زراری، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق). رساله ابو غالب زراری. تحقیق: محمد رضا حسینی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

زکلی، خیرالدین (۱۹۸۰م). الاعلام. بیروت: دارالعلم للملایین.

زیلعی، جمال الدین عبدالله بن یوسف (۱۴۱۸ق). نصب الرایة. تحقیق: محمد عوامه، بیروت: موسسه الریان للطباعة.

سمعان، عبدالکریم (۱۴۱۹ق). الانساب. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

شیبانی، محمد ابراهیم (۱۴۱۴ق). معجم مالک عن الصحابه وامهات المومنین وآل البيت. کویت: مرکز المخطوطات والتراث والوثائق.

طباطبایی، محمد کاظم (۱۳۹۰ش). منطق فهم حدیث. قم: موسسه امام خمینی (ره).

طباطبایی کربلایی، علی (۱۴۱۲ق). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل. قم: موسسه النشر الاسلامی.

عشاری، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). فضائل ابی بکر الصدیق. تحقیق: عمرو عبدالمنعم، بی جا: دارالصحابة.

غلامعلی، مهدی (۱۳۹۱ش). سیطره سبک مناقب نگاری در سده ششم و هفتم هجری. قم: دارالحدیث.

فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۷ش). آل بویه و اوضاع زمان ایشان بانموداری از زندگی مردم در آن عصر. گیلان: صبا.

کتانی، محمد بن جعفر (۱۴۱۴ق). الرسالة المستطرفة. بیروت: دارالبشائر الاسلامیه.

کحاله، عمر رضا (بی تا). معجم المؤلفین. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

کرمر، جوئل (۱۳۷۵ش). احیای فرهنگی در عهد آل بویه. ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کلبرگ، اتان (۱۴۱۳ق). کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او. ترجمه: علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی.

گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۹ش). تاریخ تشیع. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷ش). فرقه‌های اسلامی. ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.

متز، آدام (۱۳۶۴ش). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یارنسانس اسلامی. ترجمه: علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر.

مزی، یوسف (۱۴۰۶ق). تهذیب الکمال. تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: الرسالة.

مسعودی، علی بن حسین (بی تا). التنبیه والاشراف. تحقیق: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالصاوی.

مظفر، محمدحسین (۱۳۶۸ش). تاریخ شیعه. ترجمه: دکتر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

معارف، مجید (۱۳۷۴ش). پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح.

مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۳ش). تاریخ حدیث. قم: موسسه المصطفی.

موسوی جاجرمی، سیدمرتضی و فیضی، پریسا (۱۳۹۲ش). تبیین تاریخی و کلامی مکتب معتزله بصره و بغداد. پژوهشنامه تاریخ. (۸)، ۱-۱۹.

میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۱ش). تاریخ نگاری فارسی. ترجمه: محمددهقانی، تهران: ماهی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.

نعیمی، حسین و سلیم، محمدنبی واشرفی، احمد (۱۳۹۳ش). تشیع و تسنن در بغداد در قرون چهار و پنج هجری. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

نمیری، عمر بن شبة (۱۴۱۰ق). تاریخ المدينة المنورة. قم: دارالفکر.

نیومن، اندره (۱۳۸۴ش). مدرسه قم و بغداد: در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری. قم: زائر-آستان حضرت معصومه (س).

هدایت پناه، محمدرضا (۱۳۹۸ش). سیرتدوین و تطور صحابه نگاری. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

یاقوت حموی، شهاب الدین (۱۳۹۹ق). معجم البلدان. بیروت: دارالاحیاء.